

ن آمریکا

با چه اتفاقاتی در انتظار اروپایی‌هاست؟

دارد. پیش‌بینی می‌شود در صورت فاصله گرفتن آمریکا از مشارکت در دفاع از اروپا، چگونگی هزینه‌بودجه مشخص شده در اتحادیه اروپا برای امور دفاعی هم به یکی از چالش‌های میان کشورهای اروپایی تبدیل شود. کشورها به دنبال تقویت صنایع داخلی خود خواهند بود و در این مسیر اختلافات پررنگ‌تر خواهد شد. راه آسان در گذشته خرید تسلیحات آمریکایی بود اما این کار باعث شد اروپا نتواند صنایع دفاعی خود را بلندمدت تقویت کند. هر چند صنایع دفاعی در اروپا رشدی پیوسته داشته‌اند اما این رشد آهسته بوده و نتوانسته نقش پیش‌ران را در صنایع اروپایی ایفا کند.

▼ معضل ۴: ساختار و سازماندهی همکاری‌ها در امور دفاعی باید چگونه باشد؟

مکانیسم‌های اروپایی برای فرماندهی مشترک جنگ با تصمیم‌گیری در شرایط بحرانی طراحی نشده‌اند. از سوی دیگر، ناتو در دفاع از اروپا در مواقع بحران موقعیت بهتری دارد، اما همچنان به شدت به قابلیت‌ها و نیروی انسانی ایالات متحده وابسته است. هر مسیر معتبری برای آینده دفاعی اروپا باید به تقسیم کار میان نهادهای اتحادیه اروپا، ساختارهای موجود ناتو و تکامل واحدهای زیرمجموعه ناتو مانند مثلث وایمار (فرانسه، آلمان، لهستان) توجه کند.

▼ سناریوی اول: بحران تایوان

این سناریویک بحران در منطقه آسیا-اقیانوسیه را بررسی می‌کند که به احتمال زیاد منجر به عقب‌نشینی سریع و ناخواسته آمریکا از اروپا می‌شود. در چنین سناریویی اگر چه شاهد تلاش‌هایی برای مذاکره دوجانبه و اقدام برخی کشورهای اروپایی در جهت کاهش خسارت ناشی از خروج آمریکا از اروپا هستیم، اما محدودیت‌های عملی در سیستم‌های تسلیحاتی و ظرفیت نظامی ایالات متحده آن استراتژی را بی‌اثر می‌سازد. در مقابل، شوک ناگهانی و غیرمنتظره این بحران باعث می‌شود همکاری‌های دفاعی در سراسر اروپا افزایش یافته و به نوعی سازگاری داخلی منجر شود، که نظریه‌ی ژان مونه را به یاد می‌آورد که اتحادیه اروپا در مواقع بحران «شکل می‌گیرد.» فضای سیاسی در واشنگتن و پکن چگونه است؟ هم‌زمان، در

آمریکا تیم کاملاً هریس که می‌خواهد ثابت کند زنان نیز به مانند مردان می‌توانند سختگیر باشند بر سر کار است. در پکن نیز، فضا بسیار بحرانی است. دونگ جون، وزیر دفاع چین، هشدار داد که «هر کس جرأت جدا کردن تایوان از چین را داشته باشد، تکه‌تکه خواهد شد و نابود می‌شود.»

حال ببینیم چه شد که جنگ آغاز شد و چه واکنش‌هایی اتفاق افتاد. پس از یکسری اقدامات اقتصادی تلافی‌جویانه کوتاه بین تایوان و پکن، تنش‌ها به سرعت تشدید شد و نیروی دریایی ارتش آزادی‌بخش چین شروع به حرکت ناوگان خود برای محاصره تایوان کرد. کاملاً هریس، رئیس‌جمهور آمریکا با مشاوره مشاوران خود، تصمیم به انجام مجموعه‌ای از اقدامات بر سر چیدن این محاصره گرفت؛ نصب پرچم آمریکا بر روی کشتی‌های تاپوانی و اسکورت کشتی‌های تجاری از میان محاصره نیروهای چینی که به تدریج تنگ‌تر می‌شد و پرواز B-۵۲ بر فراز تنگه تایوان از جمله اقدامات آمریکا در این زمینه بود. این اقدام آخر منجر به درگیری گسترده‌تری شد؛ یک جت جنگنده چینی که سعی داشت به یک پرواز آمریکایی نزدیک شود، در پی یک اشتباه محاسباتی با هواپیمای آمریکایی برخورد کرد و باعث کشته شدن خدمه هر دو هواپیما شد.

مدت کوتاهی بعد، یک ناوچه نیروی دریایی آمریکا که کشتی‌های تجاری را به سمت بندر هولین همراهی می‌کرد، با کشتی‌های چینی درگیر شد؛ این تبادل آتش باعث شد چهار ملوان آمریکایی کشته شوند. با افزایش درخواست‌های افکار عمومی در آمریکا برای تلافی و ضربه‌زدن به چین، هر دو طرف به سمت درگیری گسترده‌تری حرکت کردند.

ناوگان هفتم نیروی دریایی ایالات متحده در دریای شرق چین در حالت آماده‌باش قرار داشت، اما کاملاً هریس دستور داد که ناوهای ناوگان پنجم و ششم از طریق کانال سوئز به دریای سرخ و خلیج عدن اعزام شوند. دو گروه ضربتی شامل ناوهای هواپیمابر در خلیج فارس مستقر شدند تا برای محاصره منابع نفتی چین آماده شوند، در حالی که گروه سوم مسیر خود را به اقیانوس آرام ادامه داد و برای اولین بار در دهه‌های اخیر دریای مدیترانه غربی را بدون حضور نیروهای دریایی آمریکا باقی گذاشت. هتک‌های دریایی به سرعت به



جزایر سنکاکو، گوام، و فیلیپین منتقل شدند و همچنین فرماندهی دهم نیروی هوایی و موشکی از آلمان به منطقه اعزام شد. برای محافظت از این نیروها برنامه‌ریزان جنگی پیشنهاد کردند که تمام هواپیماهای نسل پنجم و بیشتر یگان‌های پهپاد‌های ایالات متحده از اروپا و خاورمیانه به این منطقه منتقل شوند. باتری‌های پاتریوت از پایگاه‌های اروپایی شرقی حذف شده و به سرعت در اطراف پایگاه‌های در معرض خطر ایالات متحده مستقر شدند.

با توجه به کمبود ذخایر ایالات متحده و شدت درگیری‌ها، دارایی‌های نظامی آمریکا به سوی آسیا منتقل شد. در عرض دو ماه، بیشتر نیروهای زمینی آمریکا از اروپا به منطقه آسیا-اقیانوسیه انتقال یافتند. تامه سوم جنگ در اقیانوس آرام، تسلیحات هسته‌ای آمریکا در پایگاه‌های ناتو در اروپا باقی ماندند، اما تعداد نیروهای آمریکایی به شدت کاهش یافت. این امر باعث بهت و درماندگی در پایتخت‌های اروپایی شد؛ اروپا از زمان جنگ جهانی دوم به کمک نظامی آمریکا وابسته بود.

سیاستمداران اروپایی به سرعت واکنش نشان دادند و برخی تلاش کردند تا با حمایت از آمریکا، واشنگتن را به بازگشت به اروپا ترغیب کنند. با این حال، بیشتر کشورهای اروپایی تمایلی به دخالت در جنگ در آسیا نداشتند و مشکلات عملی مانع از بازگشت نیروهای آمریکایی شد. اتحادیه اروپا، مانند دوران بحران‌های پیشین، به سرعت وارد عمل شد و اوراق قرضه برای سرمایه‌گذاری در امور دفاعی اروپا صادر کرد.

با وجود منابع مالی جدید، هماهنگی دفاعی در اروپا موضوعی چالش‌برانگیز باقی ماند. به مرور زمان، ترکیبی از ساختارهای ناتو و گروه‌های جدیدی مانند شراکت شرقی میان لهستان، کشورهای بالتیک و فنلاند شکل گرفتند تا جایی که آمریکا را بپر کنند.

▼ سناریوی دوم: تضعیف ناتو در پی مشکلات اقتصادی آمریکا

در این سناریو، بحران بدهی در آمریکا و محدودیت‌های مالی شدید باعث کاهش تدریجی حضور نظامی ایالات متحده در اروپا شد. در دهه ۲۰۲۰، بحران سیاسی و اقتصادی در آمریکا تشدید شد و تا سال ۲۰۲۹، به دلیل عدم توافق گنگره بر سر سقف بدهی، اقتصاد این کشور به رکود عمیقی فرو رفت. این بحران موجب کاهش ۲۰ درصدی بودجه دفاعی آمریکا شد. نیروهای نظامی و تجهیزات مهمی که برای دفاع از اروپا ضروری بودند، به تدریج به مناطق دیگر به‌ویژه آسیا منتقل شدند. این کاهش تدریجی حضور آمریکا در اروپا، باعث نگرانی کشورهای اروپایی شرقی شد که از تهدید روسیه بیم داشتند. با اینکه دولت آمریکا همچنان به تعهداتش در قبال ناتو و دفاع از اروپا اشاره می‌کرد، حضور نیروهای نظامی این کشور در سراسر قاره اروپا به کمتر از ۱۰ هزار نفر رسید. کشورهای اروپایی شرقی مانند لهستان و کشورهای بالتیک که بیشترین نگرانی را نسبت به تهدیدات روسیه داشتند، به تدریج به جای تکیه بر ناتو و آمریکا، به همکاری‌های چندجانبه و ملی روی آوردند. لهستان به تقویت نیروهای دفاعی خود پرداخت و همکاری‌های دفاعی با بریتانیا و کشورهای اسکاندیناوی را افزایش داد. این کشورها توانستند با افزایش بودجه دفاعی و احیای تولید تسلیحات، کمبودهای دفاعی خود را جبران کنند. با این وجود، عدم هماهنگی و همکاری گسترده در سطح اروپا، به این معنی بود که دفاع جمعی اروپا همچنان ضعیف‌تر از آن چیزی بود که باید باشد.

▼ سناریوی سوم: شوک ترامپ

در این سناریو، دونالد ترامپ در دور دوم ریاست جمهوری خود تصمیم گرفت آمریکا را از نقش اصلی در ناتو خارج کند و مسئولیت دفاع از اروپا را به کشورهای اروپایی واگذار کند. با وجود مخالفت‌های داخلی، این تصمیم باعث شد آمریکا دیگر تأمین‌کننده اصلی امنیت اروپا نباشد. ترامپ با سیاست‌های خود به کشورهای اروپایی هشدار داد که باید بودجه دفاعی خود را افزایش دهند و به جای تکیه بر آمریکا، امنیت خود را تأمین کنند. لهستان از این فرصت استفاده کرد و با پیشنهاد ساخت پایگاهی برای ۱۰,۰۰۰ سرباز آمریکایی، توانست نظر مساعد ترامپ را جلب کند و حمایت آمریکا را حفظ کند. سایر کشورهای اروپایی نیز به دنبال مذاکرات دوجانبه با آمریکا رفتند، اما به موفقیت لهستان دست نیافتند. با این حال، اختلافات میان کشورهای اروپایی بر سر هزینه‌های دفاعی و همکاری‌های نظامی افزایش یافت. این اقدامات ترامپ باعث شد که ناتو به حالت نیمه‌فعال درآید و ساختار دفاعی اروپا به شکلی ناکارآمد و پراکنده تبدیل شود. بسیاری از کشورها همچنان به بودجه‌های دفاعی پایین خود پایبند بودند و تنها چند کشور مانند لهستان توانستند حمایت آمریکا را حفظ کنند. این وضعیت باعث شد که خطر درگیری‌ها و تنش‌های نظامی در اروپا افزایش یابد و مشکلات جدیدی برای رؤسای جمهوری آینده آمریکا به وجود آید که باید تصمیم می‌گرفتند آیا به اروپا بازگردند یا به روند خروج ادامه دهند.

▼ نتیجه‌گیری

این سناریوها چالش‌های بزرگ پیش روی سیاست‌گذاران آمریکایی و اروپایی را در بازتعریف رابطه امنیتی میان این دو طرف برجسته می‌کنند. خروج تدریجی آمریکا از اروپا، هر چند دشوار و پیچیده است، اما ممکن و حتی محتمل به نظر می‌رسد. نتایج این سناریوها نشان می‌دهد که خروج سریع و کامل آمریکا می‌تواند منجر به واکنش‌های بهتر و هماهنگ‌تر اروپا شود، چرا که کشورهای عضو اتحادیه اروپا در زمان بحران تمایل دارند همکاری بیشتری از خود نشان دهند. در مقابل، خروج تدریجی و ناقص آمریکا، واکنش‌های ضعیف‌تری در اروپا ایجاد می‌کند و باعث می‌شود کشورها از اقدامات قاطعانه برای تقویت دفاعی خودداری کنند. این تحلیل‌ها نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی پیشاپیش برای خروج آمریکا از اروپا ضروری است و عدم برنامه‌ریزی می‌تواند منجر به پیامدهای منفی شود.



بیانیه آیت‌الله العظمی سیستانی برای لبنان

دفتر آیت‌الله العظمی سیستانی مرجع عالیقدر شیعیان بیانیه‌ای درباره تجاوز مستمر رژیم صهیونیستی علیه لبنان صادر کرد. متن این بیانیه به شرح زیر است: «در این روزهای سختی که مردم لبنان سپری می‌کنند و به طور فزاینده‌ای با تجاوز وحشیانه اسرائیل با روش‌های وحشیانه‌ای از قبیل انفجار تعداد زیادی وسایل ارتباط شخصی و موارد مشابه آن و هدف قرار دادن منازل مملو از شهروندان حتی زنان و کودکان و حملات شدید به ده‌ها روستا و شهر در جنوب بقاع روبه‌رو هستند که تاکنون منجر به شهادت و زخمی شدن شمار زیادی از نیروهای قهرمان مقاومت و غیرنظامیان بی‌گناه و آوارگی ده‌ها هزار نفر از خانه و کاشانه خود انجامیده است، مرجعیت عالی دینی مراتب همبستگی و همدردی خود را با عزیزان لبنانی در مصیبت‌ها و رنج‌های بزرگ آنها ابراز می‌کند و از خداوند متعال مسئلت می‌نماید که حافظ آنها باشد و آنها را از شر اشرار و دسیسه‌های ظالمان محفوظ بدارد و شهدای صالح‌شان را مورد رحمت و رضوان قرار دهد و به مجروحان و مصدومان شفای عاجل عنایت فرماید. همچنین مرجعیت عالی دینی ضمن درخواست از هر تلاشی برای توقف این تجاوز وحشیانه مستمر و محافظت از مردم لبنان در برابر تأثیرات ویرانگر آن، از مومنان می‌خواهد آنچه را که به کاهش رنج و تأمین نیازهای انسانی آنها کمک می‌کند، انجام دهند. خداوند لبنان و مردم عزیز آن را از هر بدی و مکروه محفوظ دارد.»



خطوط قرمز اوکراین بر داشته شود

متن فردریکسن در مصاحبه با وبگاه بلومبرگ از متحدان اوکراین درخواست کرد تا به کی‌یف اجازه دهند تا از تسلیحاتی که به این کشور عرضه شده برای حمله به روسیه استفاده کند. وی در این خصوص گفت: «پیشنهادم این است که بیابید بحث درباره خطوط قرمز را تمام کنیم». کشورهای چون ایالات متحده که به اوکراین سلاح داده‌اند، همچنان محدودیت‌هایی را برای استفاده از این تسلیحات در حملات دوربرد به خاک روسیه وضع کرده‌اند زیرا نگران هستند که با صدور چنین مجوزی، مستقیماً به جنگ با روسیه کشیده شوند. با این حال درام‌های اخیر، درخواست‌ها برای لغو این محدودیت‌ها افزایش یافته است؛ به طوری که دیپلمات‌های اروپایی از کشورهای فنلاند و سوئد نیز پیش از این چنین درخواستی را مطرح کرده بودند.



پیش‌تازی دوباره هریس از ترامپ

کاملاً هریس، نامزد دموکرات بار دیگر در نظرسنجی‌های ملی اخیر از رقیب جمهوری خواه خود، دونالد ترامپ پیش افتاد. معاون رئیس‌جمهور ایالات متحده در فاصله تنها چند ماه تا برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در نوامبر بار دیگر در نظرسنجی‌های ملی از رئیس‌جمهور سابق آمریکا پیش افتاد. بنا بر نظرسنجی انجام شده توسط شبکه «ان‌بی‌سی»، هریس با ۴۹ درصد از رقیب جمهوری خواه خود با ۴۴ درصد جلو افتاده است. پیشتر در نظرسنجی «سی‌بی‌اس» و «ایپسوس» که پس از سه‌هفته ناموفق دوم به جان ترامپ انجام گرفت، برتری هریس در مقایسه با ترامپ ۴ درصد بود و این نامزد انتخابات با ۵۲ درصد از رقیب جمهوری خواه با ۴۸ درصد پیشی گرفته بود.